

## مباحثی از مدیریت اسلامی

### شورا و مشاوره در مدیریت اسلامی

نویسنده: دکتر عبدالله جاسبی

#### چکیده

شورا و مشاوره یکی از مباحث مهمی است که در فرهنگ اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است. به گونه‌ای که یکی از سوره‌های قرآن با این کلمه نامیده شده است. در سه جای قرآن از آن نام برده شده و احادیث زیادی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام در ارتباط با اهمیت، شرایط و کاربرد آن وارد شده است. در این مقاله ضمن بیان اهمیت موضوع شورا، محدوده مجاز برای استفاده از شورا، موارد کاربرد شورا، ویژگی‌های مشاوران و مستشاران، وظایف مشاورین و مستشاران و بالاخره نمونه‌های برجسته‌ای از شور و مشاوره در صدر اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مطالعه این مقاله، راه را برای استفاده صحیح از این موضوع مهم اسلامی در امر مدیریت جامعه، مؤسسات و حتی مدیریت امور فردی هموار می‌سازد.

#### مقدمه

ریزه کاری‌های اجتماعی و امور مختلف زندگی به دست می‌آورند که مجموعه این اطلاعات و راه حل‌ها در اختیار همه آنهاست و مشورت راهی برای استفاده بیشتر از اطلاعات و راه حل‌های مختلف و تجربیاتی است که دیگران در طول زندگی خود به دست آورده‌اند.

مشورت با مردم در مسائل مختلف زندگی و جامعه باعث رسیدن به راه حل‌های بهتر و دقیق‌تر و جلوگیری از تکرار اشتباهات می‌باشد. مردم در جریان زندگی اجتماعی خود فرصت‌های زیادی برای پیدا کردن راه حل‌های مختلف در حل مسائل را می‌یابند و اطلاعات گرانبهایی را از

اسلام توجه مسئولان و دست‌اندرکاران حکومت اسلامی را به برخورد صحیح و اصولی با نظرها و پیشنهادهای مختلف مردم جلب می‌کند و از آنها می‌خواهد که در این برخورد آراء و همفکری با دیگران، دارای سعه صدر و نرمش باشند و نسبت به سلیقه‌ها و نظرهای مخالف تحمل و بردباری به خرج دهند، از هرگونه خودرایی و مطلق‌گرایی پرهیز نمایند و تصمیم‌های مهم را با همفکری و تبادل اندیشه و مشورت با صاحبان نظر اتخاذ نمایند.

خوشبختانه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، توجه مسئولین و دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی به این امر مهم جلب شد و اولین بار در زمان نخست‌وزیری شهید رجایی، سمینار شوراها برگزار شد که نتیجه آن به صورت جزوه‌ای تحت عنوان «بررسی نظام شورایی در جمهوری اسلامی ایران» درآمد.<sup>۱</sup> پس از آن نیز بحث‌هایی در این زمینه صورت گرفته است و مقالاتی نوشته شده است. در این مقاله کوشش شده است که موضوع شور و مشاوره به صورت جامع و کامل و در ابعاد مختلف و با استفاده از مآخذ معتبر مورد بحث و بررسی قرار گیرد، تا ان شاء الله زمینه اجرای کامل این اصل اسلامی در مدیریت جامعه پس از انقلاب اسلامی هموار گردد.

### مفهوم کلمه شور و شورا

برخی بین مفهوم شور و شورا تفاوت قائل

شده‌اند و گفته‌اند شور به معنی مشورت و نظرخواهی است و لذا نیازی به آیین‌نامه و قانون ندارد و در هر شرایطی و هر جا می‌توان از آن بهره گرفت درحالی‌که شورا به جمع سازمان‌یافته‌ای گفته می‌شود که بر اساس یک آیین‌نامه داخلی رأی‌گیری و نظرخواهی می‌شود. بدین ترتیب شورا با مدیریت و اجرا رابطه ارگانیک دارد درحالی‌که شور چنین خصوصیتی را دارا نیست. این تقسیم‌بندی، صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا شور و شورا بسته به شرایط ممکن است در شکل‌های مشورت، نظارت، تصمیم‌گیری و حتی اجرا ظاهر شود و در حقیقت جمع‌بندی و تبادل نظری که یک شورا یا یک جمع با شرایط خاصی به عمل می‌آورد شورا است، خواه این شور به تصمیم‌گیری بینجامد یا تنها یک کمک فکری باشد و دو مفهوم مختلف را برای شور و شورا آوردن درحالی‌که هر دو از یک ریشه بوده و برای یک منظور به کاررفته است، منطقی به نظر نمی‌رسد.

از نظر لغوی شور واژه عربی و به معنی استخراج و استنباط است. البته استخراجی که همراه با پالایش و یا زحمت و کار و کوشش باشد و لذا خارج کردن اتومبیل از گاراژ را شور نمی‌گویند ولی استخراج عسل را از موم شور می‌گویند و گفته می‌شود «مشورت العمل، عسل را استخراج کردند» زیرا استخراج عسل از موم همراه با نوعی پالایش و تصفیه است. به همین ترتیب، استخراج آهن، طلا و غیره می‌باشد که منظور، به دست آوردن آهن

۱- این سمینار توسط نگارنده در مسؤلیت معاونت طرح و برنامه‌ریزی نخست‌وزیری شهید رجایی در سال ۱۳۶۰ برگزار شد.

علم و تکنولوژی، لزوم هر چه بیشتر این کار جمعی و تبادل اطلاعات و آرا و نظرات را در میان انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها بیشتر و بیشتر می‌نماید.

تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، وقتی دقیق‌تر و درست‌تر خواهد بود که افراد صاحب‌نظر در تنظیم آن بیشتر شرکت داشته باشند و تصمیم‌ها، هر چه بیشتر در معرض نظرخواهی و تبادل افکار و اندیشه‌های مختلف قرار گیرند. برخورد اندیشه‌ها به صورت پیوسته و صحیح می‌تواند نقایص و نارسایی‌های تصمیم‌گیری و اجرا را در مجامع مختلف از بین ببرد و نتایج به‌دست آمده را هر چه کامل‌تر و دقیق‌تر نماید.

این موضوع را هم عقل می‌پذیرد و هم تجربه تاریخی تأیید می‌کند که همواره چند فکر بهتر از یک فکر است و تصمیمی که از تبادل نظرات و برخورد اندیشه‌های افراد مختلف به‌دست آید، کامل‌تر و بهتر از تصمیمی است که به وسیله یک فرد و بدون مشورت دیگران گرفته شده باشد و این همان انگیزه اصل وجود شور و شورا در سازمان‌ها و مؤسسات و جوامع مختلف می‌باشد.

اسلام که کامل‌ترین و بهترین قوانین را برای حرکت انسان به سوی سعادت و خوشبختی داراست و بر اساس سرشت انسان استوار بوده و رشد انسان و جامعه انسانی را در حرکت به سوی کمال مطلق که همان الله است، تضمین می‌کند،

خالص یا طلا از سنگ‌های آهن یا معادن طلاست که همراه با نوعی پالایش و تصفیه می‌باشد. بنابراین وقتی از مواد اولیه پس از پالایش و تصفیه به یک ماده یا نتیجه‌ای رسیدیم عمل شور انجام یافته است. همین‌طور وقتی افکار و نظرات مختلف در رابطه با یک موضوع اجتماعی به عنوان ماده اولیه جمع شد و روی آن بحث و تبادل نظر گشت (عمل پالایش) و از آن نتیجه‌ای به‌دست آمد، آن را شور می‌نامند و آنچه که مورد بحث ماست بیشتر همین قسمت است.<sup>۱</sup>

شورا نیز در لغت به مفهوم اندیشیدن، فکر و عقیده را بیان داشتن، رأی‌زنی کردن و نظایر آن آمده است. آنچه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن اشاره شده است مفهوم شور و شورا به صورت‌های مختلف است که ممکن است از کمک‌های فکری یا نظر مشورتی شروع شده و به نظارت، تصمیم‌گیری و حتی اجرا برسد که نحوه و شرایط آن را قانون مشخص خواهد کرد. لازم است قبل از هرچیز به دیدگاه‌های اسلام نسبت به شورا و اهمیتی که اسلام برای شورا قائل است، توجه نمود.

### اهمیت مشاوره و شورا در اسلام

انسان موجودی اجتماعی است که نیازها و خواست‌های او جز با همکاری و همیاری و تبادل نظر فکری برآورده نمی‌شود. انسان با کمک و همفکری توانسته است به اختراعات و اکتشافات بزرگ و بهره‌برداری از آن دست یابد و پیشرفت

۲- رجوع شود به سخنرانی آیت‌الله مشکینی در سمینار شوراها: جزوه «بررسی نظام شورایی در جمهوری اسلامی ایران» شهریور ماه ۶۰

اندازه طاقش و باید رنج رسانیده نشود مادری به سبب فرزندش و نه پدری به فرزندش و بر وارث است مانند آن. پس اگر اراده کردند شیر بازگرفتن را از روی خشنودی از ایشان و مشورت پس نیست گناهی بر ایشان و اگر خواسته باشید که به دایه بدهید فرزندان را راه پس نیست گناهی بر شما چون تسلیم کنید آنچه دادید به خوبی و بترسید از خدا و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست.»

دوم: سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ».

«پس در پرتو رحمت خدا نسبت به آنها نرم و خشنود و اگر بدخو و سخت دل بودی هر آینه از پیرامونت پراکنده می‌شدند. بنابراین از ایشان درگذر و بر ایشان آموزش طلب کن و با ایشان مشورت نما. پس چون تصمیم گرفتی بر خدای توکل کن همانا که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.»

سوم: سوره شورا، آیه ۳۸

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ».

«و آنان که دعوت پروردگار را اجابت کردند و برپای داشتند نماز را و کارشان با مشورت یکدیگر است و آنچه روزی دادیمشان، انفاق می‌کنند.»

آیه اول در رابطه با مسائلی است که بین زن و

قطعاً نه تنها اهمیت مشاوره و شورا را در تعالی جوامع انسانی نادیده نگرفته است، بلکه به اندازه‌ای به آن ارج نهاده است که حتی یک سوره به نام شورا نام‌گذاری شده است.

به منظور نشان دادن دیدگاه قرآن نسبت به شکوفایی استعدادها و تبلور و تصفیة اندیشه‌ها در رابطه با مشاوره و شورا لازم است به منابع اسلامی در خصوص این موضوع رجوع کنیم تا قبل از هرچیز ضرورت وجودی شورا و اهمیت آن از نظر اسلام روشن شود.

### الف- قرآن

قرآن در سه جای مختلف به شور و شورا به صورت‌های گوناگون اشاره کرده است.

اول: سوره بقره، آیه ۲۳۳

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لِاتِّكَلَفَ نَفْسٌ إِلَّا وَ سَعَهَا لِاتِّضَارَ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَامَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ إِفْصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

«و مادران شیر می‌دهند فرزندان را دو سال تمام از برای کسی که خواسته باشد که تمام کند، شیر دادن را و بر پدر است روزی ایشان و جامعه ایشان به خوبی. تکلیف کرده نشود هیچ تنی مگر به

شوهر و فرزند شیرخوار آنها وجود دارد و قرآن تأکید می‌کند که از شیر گرفتن فرزند در صورتی که با شور متقابل زن و شوهر باشد و هر دو در آن به توافق برسند (تشاور از باب تفاعل) مانعی ندارد. بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که اسلام حتی در مسائل کوچک خانواده نیز که فقط دو نفر در تصمیم‌گیری شرکت دارند اساس کار را بر شورا و تبادل نظر و توافق طرفین می‌گذارد تا به هیچ وجه ارادهٔ یکی بر دیگری تحمیل نشود و امکان تصمیم‌گیری صحیح‌تری وجود داشته باشد.

آیهٔ دوم در رابطه با جنگ احد نازل شده است. در جنگ احد نتیجهٔ مشورت پیامبر ﷺ با اصحاب و یاران، سرانجام به این تصمیم انجامید که مسلمانان از مدینه خارج شوند و در خارج از شهر با سپاه کفر روبه‌رو گردند و این پیشنهاد اکثریت افراد به خصوص جوانان پرشور و مؤمن بود. همان‌طور که می‌دانیم در این جنگ سپاه اسلام به خاطر عدم رعایت تمامی دستورات جنگی پیامبر اکرم ﷺ به شکست نسبی تن‌داد و جالب است که آیه پس از جنگ نازل می‌شود و در حقیقت می‌خواهد نفس شور و مشورت را در امر خروج مسلمانان از مدینه برای جنگ تأیید کند و گوشزد کند که شکست سپاه اسلام نباید بهانه‌ای برای کوبیدن و رد کردن شور و مشاوره باشد و گناه سهل‌انگاری و عدم اجرای دستورات را در میدان جنگ به حساب شورای مشورتی و خروج از شهر نگذارند و لذا از پیغمبر ﷺ می‌خواهد که به روش خود همچنان ادامه دهد و با ایشان در امور مشورت نماید (وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ) و این نشانگر اهمیتی است که

اسلام و قرآن برای شور و مشاوره قائل است. آیهٔ سوم آیه‌ای است که کلمهٔ شورای آن بر خود سوره نیز اطلاق شده است و اصولاً انتخاب یک سوره در قرآن به این نام اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد و سوره‌هایی که با نام‌های عنکبوت، نمل، نحل و غیره آمده‌اند معمولاً یک یا چند بار بیشتر کلمات مذکور در سوره ذکر نشده ولی به لحاظ اهمیت آنها سوره را به آن نام خوانده‌اند. این سوره جزء سوره‌های مکی است یعنی زمانی که هنوز اسلام به صورت یک حکومت و یک جامعه در نیامده بود و این حاکی از آن است که مسألهٔ شورا نه تنها زمانی که اسلام حکومت تشکیل می‌دهد و جامعهٔ اسلامی را به وجود می‌آورد و تصمیم‌گیری‌های بزرگ اجتماعی دارد، بلکه زمانی که هنوز به صورت چند خانواده هم مطرح است و مراحل اولیهٔ رشد خود را طی می‌کند، اهمیت داشته‌ و از همان زمان از پیغمبر ﷺ می‌خواهد که کارها را بر اساس شور و تبادل نظر انجام دهد. این سوره اهمیت شورا و شور را تا آنجا پیش می‌برد که انجام امور را بر اساس شورا جزئی از صفات مؤمنین به حساب می‌آورد و آن را در کنار برپاداشتن نماز قرار می‌دهد.

در توضیح این آیه گفته شده که توالی نماز و شورا به خاطر ارتباط با خدا و خلق خداست که اولی تماس انسان را با خدای بزرگ و دومی ارتباط انسان را با انسان‌ها به منظور تبادل افکار و اندیشه‌ها و رسیدن به نتایج بهتر و پخته‌تر نشان می‌دهد.

ب- سخنان پیامبر ﷺ در ارتباط با شورا

۱- «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْ تَسُقٍ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ وَلَا عَقْلٍ كَالْتَدْبِيرِ»

«هیچ پشتیبانی قوی تر از مشورت نیست و هیچ عقلی بهتر از تفکر و تدبیر نیست.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰، حدیث ۱۷)

۲- «مَا مِنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هُدِيَ إِلَى الرُّشْدِ»  
«کسی که به مشورت با دیگران پردازد یقیناً به راه رشد هدایت خواهد شد.»

(نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۴، ش ۱۱۸)

۳- «مَا شَقِيَّ عَبْدٌ قَطُّ بِمَشْوَرَةٍ وَ مَا سَعَدَ بِاسْتِغْنَاءٍ بِرَأْيٍ»

«انسان با اتکا به مشورت هرگز دچار بدبختی نخواهد شد و با استبداد و خودرأیی هرگز به نیک بختی نخواهد رسید.»

(نهج الفصاحه، ص ۵۳۳ حدیث ۲۵۷۰)

۴- «مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ التَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ التَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَأَيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَطْبُ»

«مشورت با عاقل خیرخواه، هدایت و سعادت و توفیقی از خداست و زندهار که خلاف رأی او عمل کردن موجب آفت و زیان است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۲ حدیث ۲۷)

۵- «مَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ لَهُمْ مَشْوَرَةٌ فَحَضَرَ مَعَهُمْ مَنْ أَسْمُهُ مُحَمَّدٌ أَوْ حَامِدٌ أَوْ مُحَمَّدٌ أَوْ أَحْمَدُ

فَادْخُلُوهُ وَ فِي مَشْوَرَتِهِمْ إِلَّا خَيْرٌ لَهُمْ»

«هر قومی که با یکدیگر مشورت می کنند و در بین آنان کسی که نامش محمد یا محمود یا احمد حاضر باشد و در مشورت او را شرکت دهند، برایشان خیر است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۸، حدیث ۷)

۶- «يَا عَلِيُّ مَا خَارَ مَنْ اسْتَخَارَ وَلَا تَدِيمَ مَنْ اسْتَشَارَ»  
«ای علی آن کس که استخاره کند، در نمی ماند و هر کس مشورت کند، پشیمان نمی شود.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰، حدیث ۱۳)

۷- «اسْتَشِرُّوهُ الْعَاقِلَ وَ لَا تَعْصُوهُ فَتَنْدُمُوا»  
«با عاقل مشورت کنید و مخالفت با او موجب پشیمانی است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰، حدیث ۱۴)

۸- «قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: مَا الْحَرْمُ. قَالَ: مُشَاوَرَةُ ذِي الرَّأْيِ وَ اتِّبَاعُهُمْ»

«تفسیر دورانیشی را پیامبر فرمود که مشورت با صاحب نظران و اتباع آنان است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰، حدیث ۱۶)

۹- «تَصَدَّقُوا عَلَيَّ أَحِبِّكُمْ بِعِلْمٍ يَرْشُدُهُ وَ رَأْيٍ يُسَدِّدُهُ»

«صدقه دهید برادران را با علمی که او را هدایت کند.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵، حدیث ۴۰)

۱۰- «الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَا الرَّأْيِ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ»

«دوران‌دیشی) آن است که با صاحب‌نظران مشورت کنی و به گفته‌های آنها عمل نمایی.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، صفحه ۱۰۵، حدیث ۴۱)

۱۱- «الْمُشَاوَرَةُ حِصْنٌ مِنَ التَّدَامَةِ وَ أَمْرٌ مِنَ الْمَلَامَةِ»

«مشورت دیوار امنی است مشورت‌کننده را از ندامت و ایمن می‌دارد او را از ملامت.»

(نهج الفصاحه، صفحه ۶۲۷، حدیث ۳۰۹۵)

ج- سخنان علی علیه السلام در ارتباط با شورا

۱- «لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيزَاتٌ كَالْأَدَبِ، وَلَا ظَهْرٌ كَالْمُشَاوَرَةِ»

«نیست بی‌نیازی مانند خرد و نیست بی‌چیزی مانند نادانی و نیست میراثی مانند ادب و نیست پشتیبانی مانند مشورت و کنکاش.»

(نهج البلاغه فیض، حکمت ۵۱، ص ۱۱۱۲)

۲- «وَلَا مُظَاهَرَةٌ أَوْ تَوْثُقٌ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ»

«و هیچ پشتیبانی استوارتر از کنکاش کردن (مشورت کردن) نیست.»

(نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۰۹، ص ۴۰-۱۱۳۹)

۳- «مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ وَ مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرُّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا»

«هر که بر چیزی دست یافت خودرأی می‌شود و هر که خودرأیی نمود تباه گشت و هر که با مردان شور نماید با خردهاشان شرکت می‌کند.»

(نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۵۲، ص ۱۱۶۵)

۴- «وَالْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهِدَايَةِ وَ قَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ»

«و مشورت نمودن همان هدایت و راهیابی است و کسی که به رأی و اندیشه‌ای بی‌نیاز شد خود را در خطر و تباهی افکند.»

(نهج البلاغه فیض، حکمت ۲۰۲، ص ۱۱۸۱)

۵- «فَلَا تَكْفُؤْا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أُخْطِئَ وَ لِأَمْرٍ ذَالِكٍ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي»

«پس، از حق‌گویی یا مشورت به عدل خودداری ننمایید زیرا من برتر نیستم از اینکه خطا کنم و از آن در کار خویش ایمن نمی‌باشم مگر آنکه خدا از نفس من کفایت کند آن را که او به آن از من مالک‌تر و تواناتر است.»

(نهج البلاغه فیض، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۷)

۶- «مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَزْءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَاءِ»

«کسی که به راه‌های اندیشه‌ها روی آورد جاهای خطا و اشتباه کاری را بشناسد.»

(نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۶۴، ص ۱۱۶۹)

۷- «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَبْأَابِ دَلَّ عَلَى الرَّشَادِ»

«کسی که با صاحبان عقل مشورت کند به صواب راهنمایی و دلالت می‌شود.»

(بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۰۵، حدیث ۳۹)

۸- «مَا اسْتَنْبَطَ الصَّوَابَ بِمِثْلِ الْمُشَاوَرَةِ»

۱۵- «وَمَنْ أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ ضَلَّ وَ مَنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ زَلَّ وَ مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ وَ مَنْ سَقَمَ عَلَى النَّاسِ شَتَمَ وَ مَنْ خَالَطَ الْعُلَمَاءَ وَفَّرَ وَ مَنْ خَالَطَ الْأَثَدَالَ حُقِرَ وَ مَنْ حَمَلَ مَا لَا يُطْبِقُ عَجَزَ»

«هرکه به نظرش بنازد و خود بین باشد گمراه گردد، و هرکه به عقل خود بی نیازی کند بلغزد، و هرکه به مردم بزرگی فروشد خوار گردد و هرکه نسبت به مردم سبکسری کند دشنام خورد، و هرکه با دانشمندان آمیزد محترم گردد و هرکه با اوباش آمیزد کوچک شود و هرکه آنچه را تاب نیاورد، به دوش گیرد، درماند.»  
(تحف العقول، ص ۸۹، چاپ اسلامیه، ۱۴۰۰هـ.ق)

۱۶- «إِنَّمَا حُضِرَ عَلَى الْمُشَاوَرَةِ لِأَنَّ رَأْيَ الْمُشِيرِ صِرْفٌ، وَ رَأْيَ الْمُشْتَشِرِ مَشُوبٌ بِالْهَوَى»  
«همانا ترغیب به مشورت کردن برای این است که رأی مشورت شونده و مشاور پاک است و نظر مشورت کننده آلوده به هوای نفسانی.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۱۵، ص ۳۰۳، حدیث ۴۹)

۱۷- «آفَةُ الْمُشَاوَرَةِ انْتِقَاضُ الْأَرَائِ»

«آفت مشورت، شکستن رأی هاست.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۱۶، ص ۳۰۵، حدیث ۱۳)

د- امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

«مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ»

«هیچ مردمی با هم مشورت نکنند جز اینکه به درستی رهبری شوند.»

(ترجمه تحف العقول، ص ۲۳۶، چاپ اسلامیه، ۱۴۰۰هـ.ق، حدیث ۱)

«هیچ چیز راه راست را به مانند مشورت کردن باز نمی نماید.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۷۹، ص ۷۴۰، حدیث ۷۴)

۹- «حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ»

«شایسته است که هر شخص خردمندی رأی خردمندان دیگر را به رأی خود بیفزاید.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۲۸، صفحه ۳۸۴، حدیث ۵۳)

۱۰- «مَا عَطَبَ امْرُؤٌ اسْتَشَارَ»

«شخصی که مشورت کند فرسوده نشود.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰، حدیث ۱۵)

۱۱- «مَنْ لَمْ يَسْتَشِرْ يَنْدَمْ»

«هرکس که مشورت نکند پشیمان می شود.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۴، حدیث ۳۵)

۱۲- «لَا رَأْيَ لِمَنْ انْفَرَدَ بِرَأْيِهِ»

«کسی که خودرایی کند رأیش بی ارزش است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵، حدیث ۳۹)

۱۳- «الْجَاجِجَةُ تَسْأَلُ الرَّأْيَ»

«لجاجت، رأی را بیمار می کند.»

(بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۱، حدیث ۱۴، نهج البلاغه حکمت

۱۷۰، ص ۱۱۷۰)

۱۴- «رَأْيُ الشَّيْخِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حِجَلَةِ الشَّبَابِ»

«رأی پیرمرد مجرب برای من بهتر از تلاش جوانان است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵، حدیث ۳۹)



### محدوده مجاز برای مشورت

در اسلام شورا و مشاوره وقتی موضوعیت پیدا می‌کند و می‌تواند مورد استفاده و عمل واقع شود که حکم و قانون نباشد. وقتی که حکم خدا و قوانین و مقررات اسلام وجود دارد و یا جایی که فرمان صریح پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام و مقام ولایت فقیه وجود دارد، نمی‌توان به موضوع شور و مشاوره رجوع نمود و لازم است احکام، قوانین و دستورات بدون هیچ‌گونه تردید و تأملی به اجرا گذاشته شود. قرآن در آیه ۳۶ از سوره احزاب می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا»

«هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش مطلبی را لازم بدانند اختیاری از خود در برابر فرمان خدا داشته باشد و آنکه از فرمان خدا و رسولش سرپیچی نماید همانا گمراه است گمراهی آشکار.»

علی علیه السلام در پاسخ به طلحه و زبیر که اعتراض کرده بودند که چرا با آنها مشورت نکرده است، می‌فرماید:

«اگر حکمی بود که در کتاب خدا بیانی در باره آن نبود و در سنت پیامبر راهی برای آن وجود نداشت، با شما مشورت می‌کنم.<sup>۲</sup>»

بنابراین موضوع شورا و مشورت در امور مباح مصداق پیدا می‌کند یعنی در جایی که اسلام نظر

قاطع و تعیین‌کننده‌ای نداده باشد. در این مورد عین عبارات آیت الله مشکینی را نقل می‌نمایم:

«یک وقت قانون در معرض افکار واقع می‌شود، یک وقت اجرای قانون در معرض فکر واقع می‌شود. مثلاً همین مجلس شورای اسلامی یک وقت قانون یک مسأله‌ای را می‌خواهد در معرض شور قرار بدهد و نتیجه‌اش یک قانون کلی است. یک وقت قانون گذشته است، اجرای آن را در معرض شور قرار می‌دهد، دو جور است و اسلام در هر دو نظر دارد... یک وقت می‌گویند به اینکه آیا اجازه بدهیم کارخانه مشروب‌سازی در کشور بیاید یا نه، باشد یا نباشد، اجازه بدهیم یا ندهیم، نتیجه آن یک قانون است. یک وقت این است که می‌گوییم یک کارخانه کبریت‌سازی در این شهر لازم است و قانون هم اجازه داده و قانونش هم گذشته است حالا آیا در طرف شمال شهر قرار بگیرد، در طرف جنوب شهر قرار بگیرد، در وسط شهر قرار بگیرد، بحث در پیاده کردن قانون است و نتیجه شور در اینجا کیفیت اجراست... این دو جور است و اسلام در هر دو نظر دارد. می‌گوید به اینکه شورا خوب است و باید مطالب و مسائل در شورا برود ولی اگر قانون می‌خواهد در شورا برود آن قانون باید قانونی باشد که نظر قاطع من در آنجا معلوم نباشد. من آنجا نظر قاطع به یک طرف نداده باشم. والا اگر من در آنجا یک نظر قاطع داشته باشم شما حق ندارید آن را به شور بگذارید. من

۳- نظام حکومت در اسلام، سید صادق روحانی، صفحه: ۱۰۹ و ۱۱۰

اهمیت شورامی باشد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

### ۱- جلوگیری از پیدایش خودکامگی و استبداد

در یک جمع خانوادگی، سازمانی، اجتماعی و کشوری، وقتی همه افراد امکان اظهار نظر داشته باشند و اجازه دخالت در سرنوشت خود را پیدا کنند، راه بر خودمحموری‌ها، خودکامگی‌ها و تفکر استبدادی بسته می‌شود و لذا علی‌الشیلا استبداد و مشاورت را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد.<sup>۵</sup>

### ۲- شناخت مواضع خطا و اشتباهات

وقتی به وسیله مشاوره و مشورت خواهی به افراد دیگر اجازه اظهار نظر می‌دهیم، افراد می‌توانند مثل آینه‌ای، عیوب ما را نشان داده و مواضع اشتباه و خطا را بشناسانند. این عمل وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که عیوب فرد و خطاهای احتمالی او به دلیل تعصبات فردی، کم‌بودن تجربه و فقدان اطلاعات کافی و غفلت از واقعیات، از دید او پنهان می‌ماند. این موضوع در مورد امور جمعی و سازمانی نیز کاملاً صدق می‌کند و لذا علی‌الشیلا می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرْءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»  
 «کسی که از نظرات دیگران استقبال کند موارد اشتباه و خطا را خواهد شناخت.»

(نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۶۴، ص ۱۱۶۹)

نظر قاطع داده‌ام به اینکه، کارخانه مشروب‌سازی در کشور اسلامی غلط است، امضا نمی‌کنم، نظر قاطع داده‌ام، این درست نیست که حالا شما بنشینید آنجا شور کنید که آیا باشد یا نباشد. اسلام اجازه نمی‌دهد، می‌گوید اینجا نظر من روشن است، این حرام است، من این را ممنوع کردم، پس غلط است در مقابل این شما بنشینید، شور کنید. پس بنابراین... آن چیزی که در شور قرار می‌گیرد باید یک مطلبی باشد که اسلام از نظر اثباتی و از نظر نفی راجع به آن نظر قاطع بیان نکرده است و به تعبیر روشن‌تر عرض کنم، وجوب و حرمتش ثابت نشده، امری مباح است، در کار مباح بنشینید فکر کنید، هر کدام صلاح جامعه است انجام دهید. همچنین در مرحله اجرا که این کارخانه را کجا می‌خواهید قرار بدهید، آنجا هم اختیار دارید شور کنید هر کجا صلاح است، اما در جایی که من نظر نداشته باشم. ممکن است اسلام بگوید آنجا که شما می‌خواهید کارخانه را قرار دهید آنجا وقف است، آنجا مسجد است، من اجازه نمی‌دهم کارخانه را اینجا تأسیس کنید. اگر بنشینید مشورت کنید که کارخانه را اینجا تأسیس کنیم یا نه، این هم غلط است... هر چیزی که از نظر اسلام حرمتش یا وجوبش مسلم نباشد و اسلام مباحش کرده، شما آنجا بنشینید و در مورد آن مشورت کنید.<sup>۴</sup>»

### فواید و محسنات شورا و مشاوره

فواید و محسناتی که بر شورا مترتب است خود مؤید

۴- سخنرانی آیت‌الله مشکینی در سمینار «بررسی نظام شورایی در جمهوری اسلامی»، خرداد ماه سال ۱۳۶۰، معاونت طرح‌ها و بررسی‌های نخست‌وزیری

۵- «مَنْ اسْتَقْبَلَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۵۲، ص ۱۱۶۵)

### ۳- ایجاد احساس شخصیت و مسؤولیت در اعضای

شورا

وقتی که افراد در امور جمعی که مربوط به آنها و سرنوشت آنهاست شرکت می‌کنند و در تدوین و اجرای امور و تحقق اهداف و نظارت بر اجرای آنها سهم و دخیل می‌باشند نسبت به موفقیت آنها و دستیابی به نتایج قابل قبول احساس مسؤولیت می‌کنند. تأثیر رأی و نظر فرد در تصمیم‌گیری و اجرا باعث می‌شود که او خود را در تمامی موفقیت‌ها و شکست‌ها سهم بداند و نتواند نسبت به آن بی تفاوت باشد در حالی که وقتی افراد به بازی گرفته نمی‌شوند و یک گروه یا اقلیتی، خود تصمیم‌گیری کرده و دیدگاه‌های خود را به دیگران دیکته می‌کنند، افراد به تدریج نسبت به شکست یا موفقیت برنامه‌ها بی تفاوت می‌شوند و تنها در جایی که به او لطمه‌ای نزنند حضور خواهد داشت. احساس مسؤولیت در افراد پشتوانه عظیمی است که انگیزه آنها را در انجام امور برای موفقیت مضاعف می‌سازد و پشتوانه عظیمی برای تحقق اهداف و موفقیت برنامه‌هاست. علی‌علیه

می‌فرماید:

«لَا مُظَاهَرَةَ أَوْ تَوْقُّ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ»

«هیچ پشتوانه‌ای مثل مشورت نیست.»

(نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۰۹، ص ۱۱۳۹)

### ۴- تأمین منافع جمع و مصلحت عموم

وقتی در اموری که به جمع مربوط می‌شود، چه در یک محیط خانوادگی، چه در یک محیط سازمانی و چه حتی در سطح یک جامعه

تصمیم‌گیری‌ها از طریق مشاوره و بررسی دیدگاه‌های جمع به خصوص افراد مطلع و صاحب نظر اتخاذ شود و مسائل بدین گونه حل و فصل گردد، امکان دخالت هواهای نفسانی و منافع فردی در این تصمیم‌گیری‌ها و حل و فصل مسائل به حداقل می‌رسد و از میان می‌رود، چرا که لازمه احترام به آرای دیگران، نادیده گرفتن امیال و خواسته‌های شخصی است.

بدین ترتیب، همواره تصمیم‌گیری جمعی و مشاوره با افراد و اعضای یک مجموعه، نتایج کار را به مصلحت کل آن مجموعه نزدیک تر می‌سازد.

### ۵- کاهش احتمال شکست در انجام تصمیمات

در تصمیم‌گیری‌هایی که پس از تبادل نظر و مشاوره با افراد صاحب صلاحیت اتخاذ می‌شود به خاطر اینکه:

اولاً: کمتر تحت تأثیر امیال و نظرهای شخصی قرار می‌گیرد.

ثانیاً: به دلیل اینکه همه افراد، خود را در اجرای آن مسؤول می‌دانند، احتمال شکست کمتر می‌شود، زیرا هم تصمیم‌گیری پخته تر اتخاذ شده و هم در اجرای تصمیم، تعهد و دلسوزی بیشتری وجود دارد.

### ۶- شکوفایی استعدادها

هنگامی که اعضای یک مجموعه اجازه ابراز نظر داشته و با یکدیگر مبادله آرا و نظرات کنند و اندیشه‌های خود را در هر مورد بیان نمایند،

استعدادهای متنوع و نهفته اعضای سازمان اجازه بروز و رشد یافته و زمینه شکوفایی و طرح ایده‌های نو و بروز ابتکار و خلاقیت فراهم می‌گردد. به عکس وقتی در سازمان، نظر عده معدودی حاکم است و اندیشه‌های محدودی اجازه رشد می‌یابند، هم افراد و هم سازمان به رکود و انجماد کشیده می‌شوند.

#### ۷- ایجاد الفت بین اعضا

نظرخواهی از دیگران و احترام به آرای آنها، به خصوص وقتی نقش زبردست را ایفا می‌کنند به احترام متقابل و در نهایت به ایجاد انس و الفت بین قلوب افراد منتهی می‌گردد. لذا قرآن در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «پس در پرتو رحمت خود نسبت به آنها نرم خوشی و اگر بد خو و سخت دل بودی، هر آینه از پیرامونت پراکنده می‌شدند. بنابراین از ایشان درگذر و برایشان آمرزش طلب کن و با ایشان مشورت نما، پس چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد».

این آیه نظر و مشورت و نرم‌خویی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را عامل الفت و نزدیکی آنها به ایشان می‌داند و بدون آن هرگونه الفت و نزدیکی را، غیرممکن می‌شمارد.

#### ۸- تأمین تکیه گاه در اتخاذ تصمیم‌های مهم

وقتی در تدوین شاخص‌ها، طراحی اهداف، تنظیم روش‌های نیل به اهداف و حتی نحوه نظارت و کنترل بر اجراء، آرا و نظرات اصلاحی تک‌تک

اعضای یک مجموعه از طریق مشاوره و شرکت آنها در امور گرفته شود، خود نوعی ضمانت و تکیه گاه برای اجرای درست و به موقع آنها خواهد بود. این موضوع به خصوص وقتی اهمیت پیدا می‌کند که در مجموعه، نیاز به تغییر و تحول باشد که معمولاً افراد آن مجموعه، در مقابل تغییر و تحول، مقاومت نشان خواهند داد. اما در صورت رعایت اصل مشارکت و مشاورت، افراد مجموعه، کمتر موقعیت خود را در خطر دیده و با روند و مراحل کار آشنا خواهند شد و خود به جای مقاومت، تغییرات را تسهیل خواهند نمود.

علاوه بر موارد فوق، محسنات دیگری نیز در امر مشاوره وجود دارد که بدون توضیح، تنها آنها را نام می‌بریم.

#### ۹- بهره‌گیری از آرا و نظرات بهتر و صائب‌تر

#### ۱۰- تضمین پویایی فرد و مجموعه

#### ۱۱- هدایت و اصلاح کژی‌ها و اشتباهات

#### محدوده و موارد کاربرد شورا

شورا و مشاوره می‌تواند در محدوده‌های مختلف و موارد متفاوت مورد استفاده قرار گیرد. محدوده کاری شورا می‌تواند از امور فردی آغاز شود و تا سطح بین‌المللی و جهانی توسعه یابد. موارد استفاده از شورا نیز می‌تواند متنوع و متعدد باشد که در زیر، هریک از آنها را به اختصار بیان خواهیم کرد.

## الف - سطح یا محدوده کار شورا

توسط مقام ولایت فقیه تشکیل شده است. مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی.

علاوه بر موارد فوق که شورا در آنها بر اساس قانون تشکیل شده و مصوبات آن دارای اعتبار می‌باشد و ضمانت اجرایی دارد، شوراهای موقتی برای بررسی و تصمیم‌گیری پیرامون موضوعات خاص نیز توسط مسؤولین نظام می‌تواند تشکیل شود.

۴- مشاوره در سطح بین‌المللی - در سطح بین‌المللی نیز مجامع و محافل فراوانی وجود دارند که یا به تصویب سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی می‌رسند و یا مورد توافق دو کشور یا گروهی از کشورها و یا مجامع و نهادهای آن کشورها واقع می‌شوند.

### ب - موارد کاربرد شورا

کاربرد شورا می‌تواند از مطالعه و تدوین قوانین تا اجرا و نظارت را دربر گیرد که به صورت زیر قابل تقسیم‌بندی است.

۱- بررسی، استنباط و استخراج احکام و قوانین - در این سطح می‌توان مجامعی مثل شورای نگهبان و شورای تشخیص مصلحت نظام را نام برد.

۲- تدوین قوانین و مقررات - این سطح شامل مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گردد.

۳- اجرای قوانین و مقررات - این سطح شامل مجامعی مثل هیأت دولت، شورای اقتصاد، شورای عالی اداری، شورای عالی شهرسازی و نظایر آن

۱- امور فردی - مشاوره و مشورت در امور فردی مثل انتخاب همسر، خرید یک منزل یا کالا، تحصیل در یک رشته یا دانشگاه، انجام یک عمل جراحی، مسافرت به نقطه‌ای در داخل یا خارج از کشور، ایجاد ارتباط با یک فرد یا تشکیلات و طرح دوستی با افراد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. البته بایستی شرایط لازم در مشاورین و سایر مواردی که در این زمینه لازم است و در ادامه این مقاله، مورد بحث قرار خواهد گرفت، رعایت گردد.

۲- امور مربوط به سطح مؤسسات و سازمان‌ها - برای انجام مشاوره در سطح مؤسسات و سازمان‌ها علاوه بر رعایت کلیه شرایط مربوط به امور فردی، نیازمند یک سلسله ضوابط و مقررات هستیم که جلسات یا گروه‌های مشاوره بر اساس آن تشکیل شود و تصمیم‌گیری به عمل آید. مثلاً جلسات شورای معاونین در سطح یک وزارتخانه یا سازمان مصداق یک کار شورایی است اما رعایت ضوابط و مقررات در آن امر اجتناب‌ناپذیر است.

۳- مشاوره در سطح کشور - مشاوره برای حل مسائل و اتخاذ تصمیم در سطح کشور بر اساس قوانین و مقرراتی است که یا مرجع آن در قانون اساسی پیش‌بینی شده است مثل مجلس شورای اسلامی، هیأت دولت، شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، یا اینکه بر اساس مصوبات مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌گردد مثل شورای عالی اقتصاد، شورای عالی شهرسازی و ده‌ها شورای دیگر و یا اینکه

می‌باشد.

باشد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ مَنَّفَعَةٌ إِنْ مَا شَيْئُهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَاوَرْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ مَنَّفَعَةٌ»

«مؤمن مایه سود است اگر همراهش شوی سودت دهد و اگر با وی مشورت کنی سودت دهد و اگر شریکش شوی سودت دهد و همه کار وی مایه سود است.»

(نهج الفصاحه، صفحه ۶۲۷، حدیث ۳۰۹۸)

علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

«مَنْ أَرَادَ أَمْرًا فَشَاوَرَ فِيهِ إِمْرَةً مُسْلِمًا وَفَقَهُ اللَّهُ لِأَرْشَادِ أُمُورِهِ»

«هر که اراده کاری کند و با مرد مسلمانی در باره آن مشورت کند خدایش به معقول‌ترین کارها توفیق دهد.»

(نهج الفصاحه، ص ۶۰۵، حدیث ۲۹۶۲)

«امام صادق عَلِيٌّ یکی از شرایط مشاورین را ایمان می‌شمارد.»

(حکومت جمهوری اسلامی، صفحه ۳۴)

۲- تقوی

علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

«شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرَوْشِدًا»

«در کارهایت با پرهیزکاران مشورت کن تا راه به کارت بری.»

(غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، فصل ۴۲، ص ۴۴۸، حدیث ۳)

۴- در سطح هدایت و رهبری در اجرای قوانین- این سطح شامل شورای معاونین در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها می‌گردد.

۵- در سطح نظارت و کنترل- این سطح شامل شورای دیوان عالی کشور، شورای بازرسی و نظارت در سطح کلان یعنی بازرسی کل کشور و یا در سطح وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات شبیه هیأت نظارت و بازرسی یا گروه‌های سنجش و ارزیابی می‌شود.

۶- در سطح نتیجه‌گیری و جمع‌بندی.

ویژگی‌های افراد مورد مشورت (مشاوران و مستشاران)

حال که موارد مشورت برای تصمیم‌گیری‌های مختلف روشن شد، بایستی مشخص نماییم که چه کسانی می‌توانند مورد مشورت قرار گیرند و نظر اسلام در مورد مشاورین و مستشاران چیست. اسلام شرایطی را برای افرادی که می‌توانند طرف مشورت قرار گیرند قائل شده است که به ترتیب و تحت عنوان ویژگی‌های مثبت (خصوصیاتی را که باید دارا باشند) و ویژگی‌های منفی (خصوصیاتی را که نباید دارا باشند) در زیر توضیح می‌دهیم:

الف- ویژگی‌های مثبت

۱- ایمان

لازم است فردی که با او مشورت می‌شود مسلمان بوده و ایمان به خدا، نبوت و قیامت داشته

### ۳- عقل

کسی که مورد شور قرار می‌گیرد بایستی عاقل باشد بنابراین کسی که هنوز به سن لازم برای عاقلانه فکر کردن نرسیده است یا کسی که عقل او ناقص است، نمی‌تواند مورد مشورت واقع شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَيْمُنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ»

«مشورت با عاقل خیرخواه، هدایت و سعادت و توفیقی از خداست.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۲، حدیث ۲۷)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«إِسْتَشِيرُوا الْعَاقِلَ وَلَا تَعْصُوهُ فِتْنَةٌ»

«با عاقل مشورت کنید و مخالفت با او موجب پشیمانی است.»

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰، حدیث ۱۴)

علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

«شَاوِرْ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمِنِ الرِّكْلَ وَ التَّدَمَّ»

«با خردمندان مشورت کن از لغزش و پشیمانی ایمن باش.»

(غررالحکم و دُررالكلم، جلد اول، فصل ۴۲، ص ۴۴۸، حدیث ۲)

علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

«مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دَلَّ عَلَى الرَّشَادِ»

«کسی که با صاحبان عقل مشورت کند به صواب

راهنمایی و دلالت شود.»

(بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۱۰۵، حدیث ۳۹)

علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَشَارَ الْعَاقِلَ مَلَكَ»

«هر که با عاقل مشورت کند امرش را مالک گردد.»

(غررالحکم و دُررالكلم، جلد ۲، فصل ۷۷، صفحه ۶۱۶، حدیث ۱۲۸)

### ۴- علم و تخصص

کسی که مورد مشورت قرار می‌گیرد بایستی در آن کار یا موضوع که مورد نظرخواهی قرار می‌گیرد دارای اطلاعات، تجربه و تخصص باشد و دانش مربوط را داشته باشد. مثلاً در امور پزشکی با پزشک، در مسائل سیاسی با افراد صاحب صلاحیت در امور سیاسی و در سایر موارد با افراد مربوط مشورت شود.

علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

«لَا تُشَاوِرَنَّ فِي أَمْرِكَ مَنْ يَجْهَلُ»

«با کسی که نادان در کار تو است مشورت مکن.»  
(غررالحکم و دُررالكلم، جلد ۲، فصل ۸۵، صفحه ۸۰۲، حدیث ۵۵)

علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

«مُشَاوَرَةُ الْحَازِمِ الْمُشْفِقِ ظَفَرٌ، مُشَاوَرَةُ الْجَاهِلِ الْمُشْفِقِ خَطَاءٌ»

«با دوست مهربان دوراندیش مشورت کردن

پیروزی می‌آورد، با دوست مهربان نادان مشورت کردن خطاست.»  
 (غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۰، صفحه ۷۶۷، حدیث ۱۴۷ و ۱۴۸)

«با دشمن مشورت مکن و رازت را از وی پپوش.»  
 (غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۵، صفحه ۸۰۲، حدیث ۴۹)

از امام باقر علیه السلام منقول است که:

«وَلَا تُصَحِّبِ الْفَاجِرَ وَلَا تَطْلِعْهُ عَلَى سِرِّكَ وَ اسْتَشِرْ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَحْشَوْنَ اللَّهَ»  
 «با فاجرهم صحبت مشو و او را بر سر خود مطلع مکن و در کار خود با کسی مشورت نما که از خدا بترسد.»  
 (ترجمه تحف العقول، صفحه ۳۰۱، چاپ اسلامی، ۱۴۰۰ هـ.ق، حدیث ۷)

علی علیه السلام می‌فرماید:  
 «خَيْرُ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوَ الْتَهَى وَالْعِلْمِ وَأَوْلُو التَّجَارِبِ وَ الْحَزْمِ»  
 «بهترین کسانی که با آنان مشورت می‌کنی صاحبان عقل و دارندگان علم و دارندگان علم و تجارب و دورانیدیشی هستند.»  
 (غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۲۹، ص ۳۸۹، حدیث ۴۴)

#### ۶- خیرخواهی

از خصوصیات دیگری که فرد مشاور بایستی دارا باشد، خیرخواهی است.  
 امام صادق علیه السلام می‌فرماید:  
 «ثَلَاثَةٌ لَا يَعْذِرُ الْمَرْءُ فِيهَا مُشَاوَرَةَ نَاصِحٍ وَ مُدَاوَاةَ حَاسِدٍ وَ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ»  
 «مرد از سه چیز عذری ندارد مشورت با خیرخواه، مدارا با حسود و دوست‌یابی از مردم.»  
 (ترجمه تحف العقول، ص ۳۳۱، حدیث ۲۸)

#### ب- ویژگی‌های منفی

منظور از ویژگی‌های منفی خصوصیتی است که فرد مورد مشورت بایستی فاقد آن باشد. این خصوصیات عبارتند از:

- ۱- ترسو بودن
  - ۲- بخیل بودن
  - ۳- حریص بودن
  - ۴- دروغگو بودن
  - ۵- مستبد بودن.
- در زیر گفته‌های بزرگان اسلام در تأیید مطالب

#### ۵- رازداری

افرادی که مورد مشورت واقع می‌شوند بایستی رازدار باشند چرا که ممکن است فرد در باره موضوعاتی با او به مشورت بپردازد که بازگو کردن آن برای دیگران مشکلاتی را برای او به وجود آورد و یا به حیثیت او لطمه زند. مثلاً کسی که در باره ازدواج دخترش و خواستگار او با کسی مشورت می‌کند و یا کسی که در مورد گرفتن قرض از یک منبع به منظور بازپرداخت بدهی خود با کسی به مشورت می‌پردازد چنانچه طرف مورد مشورت رازدار نباشد مشکلاتی را در زندگی او ایجاد خواهد نمود. به همین دلیل گفته‌اند که با دشمن مشورت نکنید و راز خودتان را پیش او نگوئید.

علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تُشَاوِرْ عَدُوَّكَ وَ اسْتَرْهْ خَيْرَكَ»



کردی تو را از راه راست می گرداند و به فقرت وعده می دهد (نمی گذارد صدقه و انفاق کنی.)

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۵، صفحه ۸۱۵، حدیث ۱۹۶)

علی علیه السلام می فرماید:

«لَا تُشْرِكَنَّ فِي رَأْيِكَ جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأَمْرِ وَ يُعْظَمُ عَلَيْكَ مَا لَيْسَ بِعَظِيمٍ»

«ترسو را در اندیشه و کار خودت شرکت مده که او تو را در کارت سست می سازد و چیزی که بزرگ نیست به رأیت بزرگ جلوه می دهد.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۵، صفحه ۸۱۵ حدیث ۱۹۷)

علی علیه السلام می فرماید:

«لَا تُسْتَشِرِ الْكُذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ إِلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ»

«با شخص دروغگو مشورت مکن زیرا که او مانند سراب است دور را بر تو نزدیک و نزدیک را بر تو دور می سازد.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۵، صفحه ۸۱۶، حدیث ۱۹۹)

علی علیه السلام می فرماید:

«لَا تُشْرِكَنَّ فِي مَشُورَتِكَ حَرِيبًا يَهْوُونَ عَلَيْكَ الشَّرَّ وَ يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ»

«شخص آزمند را در کار شور خویش شریک مساز زیرا که او زشتی را برای تو آسان وانمود می کند و آزمندی را برایت می آراید.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۵، صفحه ۸۱۶، حدیث ۲۰۱)

فوق ارائه می شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتار خود با علی علیه السلام صفات منفی یک مشاور را چنین بیان می کند:

ای علی با ترسو مشورت مکن چون راه گریز را بر تو تنگ می گرداند و با بخیل مشورت نکن زیرا هدف را برای تو کوچک می نماید و با حریص مشورت مکن که حرص و آزار برای تو زینت می بخشد.

(تفسیر نور الثقلین، جلد ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵، بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۹۹، حدیث ۱۱)

علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می فرماید:

«وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَغْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُكَ الْفَقْرَ وَ لَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِيبًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ»

«در مشورت و کنکاش خود بخیل را راه مده که تو را از نیکی و بخشش بازداشته و از بی چیزی و فقر می ترساند، و نه بی دل و ترسو را که تو را از اقدام به کارها سست می گرداند، و نه حریص و آزمند را که ستمگری را در نظرت جلوه می دهد، به درستی که بخل و ترس و حرص غرائزی هستند که بدگمانی به خداوند آنها را در وجود آدمی جمع می کند.»

(نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، نامه ۵۳، ص ۹۹۸، فراز ۱۶)

علی علیه السلام می فرماید:

«لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا فَيَغْدِلَ بِكَ عَنِ الْقَصْدِ وَ يَعِدُكَ الْفَقْرَ»

«بخیل را در مشورت خودت داخل مکن که اگر

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«وَلَا تَشِيرْ عَلَى مُسْتَشِيرٍ بِرَأْيِهِ»

(بحار الانوار، ج ۷۵، صفحه ۱۰۴، حدیث ۳۷)

### وظایف مشاورین و مستشاران

اسلام به کسانی که مورد مشورت واقع می شوند نیز توصیه‌هایی نموده است که لازم است مورد توجه واقع شود که در زیر، این وظایف را با استفاده از گفته‌های بزرگان اسلام بیان می کنیم.

۱- لزوم امانت دار بودن مستشاران و حفظ کردن اسرار افراد خواستار نظر مشورتی

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ إِنْ شَاءَ أَشَارَ وَإِنْ شَاءَ لَمْ يُشِيرْ»

«کسی که با وی مشورت کنند امانت دار است اگر خواهد رأی دهد و اگر نخواهد ندهد.»

(نهج الفصاحه، صفحه ۶۲۹، حدیث ۳۱۱۰)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ فَإِنْ شَاءَ أَشَارَ وَإِنْ شَاءَ سَكَتَ فَإِنْ أَشَارَ فَلْيُشِرْ بِمَا لَوْ نَزَلَ بِهِ فَعَلَهُ»

«کسی که با وی مشورت کنند امانت دار است اگر خواهد رأی دهد و اگر خواهد خاموش ماند و اگر نظری داد همان گوید که اگر خود او بود، می کرد.»

(نهج الفصاحه، صفحه ۶۲۶، حدیث ۳۰۹۴)

۲- لزوم اعلام صریح نظر مشورتی توسط مستشاران

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«إِذَا اسْتَشَارَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُشِرْ عَلَيْهِ»

«وقتی یکی از شما با برادر خود مشورت می کند وی

باید رأی خود را صریح بگوید.»

(نهج الفصاحه، صفحه ۳۴، حدیث ۱۷۵)

۳- اخطار در مورد کسانی که در مشورت خیانت می نمایند و تذکر عواقب آن

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«إِنَّ الرَّجُلَ لِأَيِّزَالٍ فِي صِحَّةِ رَأْيِهِ مَا نَصَحَ لِمُسْتَشِيرِهِ، فَإِذَا عَشَّ مُسْتَشِيرُهُ سَلَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى صِحَّةَ رَأْيِهِ»

«مرد تا هنگامی که مشورت کنان خود را رهبری می کند از اصابت رأی بهره ور است و همین که با مشورت کنان خیانت کرد خدا اصابت رأی را از او می گیرد.»

(نهج الفصاحه، صفحه ۱۲۴، شماره ۶۲۲)

علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«لَا تُرَدِّدَنَّ عَلَى النَّصِيحِ وَلَا تَسْتَعِشَّ الْمُسْتَشِيرَ»

«سخن شخص پندگو را رد مکن و با کسی که مشورت می کنی خیانت روا مدار.»

(غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۵، صفحه ۸۰۸، حدیث

۱۳۰)

نمونه‌های برجسته از شور و مشاوره در تاریخ  
صدر اسلام

برای روشن شدن آنچه که تا به حال در مورد

شور و شورا بیان داشتیم مناسب است که موارد مهم شورا را در صدر اسلام که اسناد تاریخی آن موجود است مورد توجه قرار دهیم تا هم مطالب گفته شده روشن تر و بهتر درک شود و هم بر اعتقاد به امکان پیاده کردن این اصل مهم اجتماعی در چارچوب موازین اسلامی تأکید نماییم. در زیر، شش مورد از اجرای این اصل اجتماعی را در صدر اسلام بیان می‌کنیم و برای روشن تر شدن موضوع تعدادی از این موارد را عیناً از کتاب «پیامبری و جهاد» نقل می‌نماییم.

#### ۱- جنگ بدر

آن شب سپاه مشرکان تا صبح نگهبانی می‌دهند. ابوجهل با دیدن این وضع بر می‌آشوبد و می‌گوید: «این دستور عتبه است که مایل نیست با محمد و یارانش بجنگد، عجب است! آیا می‌پندارید محمد و یارانش به جمع انبوه شما حمله خواهند کرد! من که با عشیره‌ام به یک سو می‌رویم و نمی‌گذاریم کسی برای ما نگهبانی بدهد». و به کناری می‌روند. باران شروع به باریدن می‌کند. عتبه می‌گوید: «این یک مصیبت است، اینها آبکشان شما را گرفته‌اند».

در آن شب یسار برده، عبید بن سعید بن عاص، واسلم برده، منبه بن حجاج، و ابو رافع برده، امیه بن خلف دستگیر می‌شوند. سربازان اسلام آنها را به خدمت پیامبر خدا می‌آورند. او در حال نماز است. آن چند نفر می‌گویند: «ما آبکشان قریش هستیم، ما را فرستاده‌اند تا برای آنها آب ببریم»، مسلمانان از اظهار آنان خوششان نمی‌آید، چه امیدوارند آنها

از کاروان قریش و نوکران ابوسفیان باشند. آنها را کتک می‌زنند تا حقیقت را بگویند. چون آنها را با زدن از پا در می‌آورند، می‌گویند: «ما نوکران ابوسفیان و جزو کاروان او هستیم، و کاروان اینک پشت این تپه شنی است». دست از آنها برمی‌دارند. وقتی پیامبر نمازش را تمام می‌کند رو به یارانش کرده می‌فرماید: «اینها به شما حقیقت را می‌گویند شما آنها را کتک می‌زنید و وقتی به شما دروغ می‌گویند دست از آنها برمی‌دارید». می‌گویند: «ای پیامبر خدا، اینها به ما می‌گویند که سپاه قریش آمده است». می‌فرماید: «راست می‌گویند، قریش آمده‌اند تا از کاروان خویش دفاع کنند و از این که شما به کاروان آنان حمله کنید ترسیده‌اند». آنگاه رو به آن آبکشان نهاده می‌پرسد: «سپاه قریش در کجاست». می‌گویند: «پشت این تپه شنی که می‌بینی». می‌پرسد: «چند نفرند؟». می‌گویند: «خیلی». می‌پرسد: «چند نفر؟». می‌گویند: «نمی‌دانیم چند نفرند» می‌پرسد: «روزی چند شتر سر می‌برند؟». جواب می‌دهند: «یک روزه تا و یک روز نه تا». می‌فرماید: «اینها بین نهصد تا هزار نفرند». آنگاه از آن چند نفر می‌پرسد: «چه کسانی از مکه با سپاه همراه شده‌اند؟». می‌گویند: «هر که توانی داشته همراه سپاه آمده است». در این هنگام رو به یارانش نموده می‌فرماید: «اینکه مکه پاره‌های جگرش را پیش شما افکنده است!». سپس از آن چند نفر می‌پرسد: «آیا کسی از آنها به مکه برگشته است؟». جواب می‌دهند: «یسر ابوشریق عشیره، زهره را بازگردانید». می‌فرماید: «او با این که رشد عقلی ندارد و تا جایی که می‌دانم

وقتی اسبی می‌خواهد شیهه بکشد بر صورت او می‌زنند تا ساکت شود، به‌علاوه باران تندی بر آنها می‌بارد».<sup>۶</sup>

## ۲- جنگ احد

شب جمعه، چهره‌های برجسته اوس و خزرج: سعدبن معاذ، اسیدبن حضیر، و سعبدین عباده، همراه عده‌ای مسلح در مسجد و بر درب خانه پیامبر به نگهبانی می‌ایستند از ترس اینکه مشرکان شیخون بزنند. شهر مدینه آن شب تا به صبح پاسداری می‌شود. در آن شب، پیامبر خوابی می‌بیند، بامدادان که مسلمانان گرد می‌آیند و منبر برمی‌آید، پس از ستایش و سپاس خداوند می‌فرماید: «مردم، من در خواب دیشب رویایی دیدم. دیدم دردژی مستحکم قرار دارم، و دیدم یک طرف شمشیرم ذوالفقار شکسته است، و دیدم گاوی را سر می‌برند، و دیدم قوچی را بر ترک خویش بسته دارم». مردم می‌پرسند: «ای رسول خدا، رویای خویش را چه تعبیر کرده‌ای؟». می‌فرماید: «دژ مستحکم، مدینه است. بنابراین در آن بمانید. شکستن یک طرف شمشیرم مصیبتی است که بر من وارد می‌آید. گاو سربریده شده حکایت از کشته‌هایی است که در میان یارانم رخ می‌دهد. قوچی که بر ترک خویش بسته داشته‌ام این است که سردار سپاه دشمن را ان شاء الله خواهیم کشت».

آنگاه پیامبر به یارانش می‌فرماید: «در این باره

همواره دشمن خدا و دشمن کتاب خدا بوده است. آنها را به راه صواب برده است». بعد می‌پرسد: «غیر از آنها دیگری هم بازگشت؟». می‌گویند: «آری، عشیره، عدی بن کعب».

در این هنگام، رسول خدا به یارانش می‌فرماید: «به من نظر مشورتی بدهید که کجا موضع بگیریم». حباب بن منذر می‌گوید: «ای پیامبر خدا، آیا این جایی که اکنون موضع داریم جایی است که خدا برای تو معین کرده است به طوری که حق نداریم قدمی پیش یا عقب‌تر از آن بگذاریم یا نه این یک تدبیر و جنگ و حيله خصمانه است؟». می‌فرماید: «در حقیقت، این یک تدبیر و جنگ و حيله خصمانه است». می‌گوید: «پس این موضع خوبی نیست! بیا برویم به نزدیک محل آبگیری دشمن، زیرا من آن منطقه و چاه‌هایش را خوب می‌شناسم، در آنجا چاهی است که می‌دانم آب خوشگوار دارد و آبی فراوان که خشک شدنی نیست. در آنجا حوضی می‌سازیم و ظرف‌ها را در آن می‌ریزیم، می‌آشامیم و می‌جنگیم، و دیگر چاه‌ها را خراب می‌کنیم».

رسول خدا می‌فرماید: «ای حباب، تدبیر درستی را پیشنهاد می‌کنی». آنگاه برخاسته و همه این کارها را انجام می‌دهد. عمارین یاسر و ابن مسعود را می‌فرستد تا احوال و نیروی دشمن را ارزیابی کنند. در اطراف سپاه دشمن می‌گردند، سپس به خدمت پیامبر باز می‌آیند و می‌گویند: «اینها سخت ترسیده و در تشویش‌اند، به طوری که

۶- پیامبری و جهاد: نوشته جلال‌الدین فارسی صفحه ۱۲۱ تا ۱۲۵

برج و باروها بگذارید. اگر به ما حمله کردند در کوچه‌ها خواهیم جنگید. ما بهتر از آنها با کوچه‌های شهرمان آشناسیم. از فراز برج و باروها نیز به طرف آنها سنگ پرتاب کنید. مدینه را از هر سو با دیوارهای سد کرده‌اند تا مانند دژی شده است. عده‌ای از نوجوانان که در جنگ بدر شرکت نداشته‌اند و مشتاق شهادتند و شیفته برخورد و رویارویی با دشمن از شهر بیرون ببر). مردانی بزرگسال ودل به شهادت بسته از جمله حمزه بن عبدالمطلب، سعد بن عباد، نعمان بن مالک و عده دیگری از اوس و خزرج می‌گویند: «ای پیامبر خدا، ما می‌ترسیم دشمن ما خیال کند که ما از روبرو شدن با او ترسیده‌ایم و نخواسته‌ایم از شهر بیرون برویم و این باعث شود که بر ما دلیر شوند. از طرفی در جنگ بدر سیصد مرد جنگی بیشتر همراه نداشتی و خدا تورا بر آنان پیروز ساخت و ما امروز عده‌ای بی‌شماریم. ما مدت‌ها بود که آرزوی این روز را داشتیم و از خدا می‌خواستیم چنین روزی را پیش آورد و اینک خدا آن را پیش روی ما آورده است». پیامبر از اصرار آنان خوشش نمی‌آید، و آنان درحالی‌که لباس رزم پوشیده‌اند شمشیرهای خویش را در هوا حرکت می‌دهند و مثل شیر تمرین حمله می‌کنند. مالک بن سنان پدر ابوسعید خدری می‌گوید: «ای پیامبر خدا، ما به خدا قسم بر سر دوراهی خوشبختی قرار گرفته‌ایم: یا خدا ما را بر آنها پیروز می‌گرداند و به مراد خویش می‌رسیم که در آن صورت خدا آنها را به خاک ذلت نشانده است و جنگی مثل جنگ بدر رخ داده است و از آنها جز گریز پایی نمی‌ماند. یا خدا شهادت را

نظر بدهید»، در حالی‌که بر اثر آن خواب مایل است که از مدینه بیرون نرود، و دوست می‌دارد که نظریارانش با نظر وی یکی باشد و با تعبیری که از خواب خویش کرده است مطابقت داشته باشد. عبدالله بن ابی برخاسته می‌گوید: «ای پیامبر خدا، ما در دوره جاهلیت در درون این شهر می‌جنگیدیم. زن و بچه‌هایمان را در درون این برج‌ها می‌گذاشتیم، و سنگ در کنارشان می‌نهادیم. گاهی پسران ما یک ماه تمام برای روبه‌رو شدن با دشمن سنگ به درون برج می‌بردند. شهر را از هر سو دیوار می‌کشیدیم تا مثل یک دژ می‌شد. زن و بچه ما از فراز برج‌ها سنگ می‌پرانندند و ما در کوچه‌ها با شمشیر می‌جنگیدیم. ای پیامبر خدا، این شهر ما تا کنون با کره مانده است و هیچ دشمنی نتوانسته است که آن را بگشاید. هربار که از شهر بیرون رفته و دردشت با دشمن مصاف داده‌ایم از دشمن شکست خورده‌ایم و هر بار که دشمن خواسته به شهر ما درآید ضرب شستی به او نشان داده‌ایم، بنابراین ای پیامبر خدا، آنها را به حال خودشان بگذار تا اگر مانند در بدترین وضعی مانده‌اند و اگر بازگشتند سرشکسته و نومید و بدون کوچک‌ترین موفقیتی برگشته باشند. ای پیامبر خدا، در این امر از نظریه من پیروی کن و بدان که من این نظریه را از بزرگان قبیله‌ام و از مردان کارآزموده‌شان به میراث برده‌ام و آنان مردان جنگ و دارای تجربه رزمی بوده‌اند». پیامبر با عبدالله بن ابی هم رأی است و رای اصحاب بزرگ پیامبر چه مهاجران و چه انصار نیز بر همین است. از این رو می‌فرماید: «در مدینه بمانید. زنان و بچه‌ها را در

نصیب ما می‌گرداند. به خدا قسم ای پیامبر خدا، من ذره‌ای نمی‌اندیشم که کدامیک از این دو اتفاق می‌افتد، زیرا در هر دوی اینها خیر است». پیامبر همچنان خاموش می‌ماند و کلمه‌ای بر زبان نمی‌آورد. حمزه بن عبدالمطلب که روزه‌دار است می‌گوید: «قسم به آن که قرآن بر تو فرستاد تا بیرون مدینه با شمشیر خویش با آنها نجنگم لب به غذا نخواهم زد». حمزه آن جمعه و شنبه را روزه داراست.

چون بر بیرون رفتن از شهر اصرار می‌ورزند، پیامبر نماز جمعه را با مسلمانان اقامه می‌کند، سپس زبان به اندرزشان می‌گشاید و آنان را به جدیت و جهاد سفارش می‌کند و می‌فرماید که اگر شکیبایی ورزند پیروزی از آن ایشان خواهد بود. مردم از این فرمایشات خوشنود می‌شوند چون می‌فهمند که پیامبر به مسلمانان دستور می‌دهد خودشان را برای جنگیدن با دشمن آماده سازند. آنگاه نماز عصر را به جماعت برگزار می‌فرماید، در حالی که مردم بسیج شده‌اند و اهالی منطقه بالای مدینه، زنان را در برج و باروها گذاشته‌اند و خود در شهر حاضر گشته‌اند. بنی عمرو بن عوف و وابستگان آنان و عشیره نبیت و وابستگان آنان درحالی که جامه رزم برتن دارند آمده‌اند. پیامبر به درون خانه می‌رود تا جامه رزم بپوشد... مجاهدان از درب خانه تا به کنار منبرش به انتظار بیرون آمدنش صف بسته‌اند. سعد بن معاذ و اسید بن حضیر آمده به آنان می‌گویند: «شما آن حرف‌ها را به پیامبر زدید و او را مجبور ساختید تا از شهر بیرون برود در حالی که برای او

فرمان از آسمان می‌آید. بنابراین تصمیم‌گیری را به او واگذارید تا هر چه فرمان داد اجرا کنید و هر کاری که دیدید به آن مایل است یا نظر به آن دارد انجام دهید». در همین احوال، و در حالی که بعضی به دیگران می‌گویند: «سخن درست همین است که سعد می‌گوید» و بعضی نظر به بیرون رفتن از مدینه دارند و برخی آن را نمی‌پسندند پیامبر کلاه خود بر سر و زره بر تن و بند چرمین شمشیر بر کمر و عمامه بر سر و شمشیر به کمر از خانه بیرون می‌آید. وقتی بدین حال بیرون می‌آید همگی از کرده خویش پشیمان می‌شوند، و کسانی که قبلاً بر بیرون رفتن از شهر اصرار ورزیده بودند با خود می‌گویند: «حق نداشتیم اصرار بر امری بورزیم که پیامبر تمایل به خلاف آن دارد». صاحب نظرانی هم که قبلاً می‌گفتند که بهتر است در شهر بمانیم زبان به سرزنش آنان می‌گشایند و می‌گویند: «ای پیامبر خدا، ما حق نداشتیم نظری برخلاف نظرت بدهیم. بنابراین تصمیم با تو است. شایسته نبود که تو را به کاری که درست نمی‌بینی واداریم حال آنکه فرمان به دست خداست و پس از خدا به دست تو». می‌فرماید: «من شما را به همین که می‌گویند خواندم اما نپذیرفتید. هر پیامبری چون جامه رزم بپوشد تا خدا سرنوشت جنگ او با دشمنانش را روشن نساخته است شایسته نباشد که آن جامه از تن بدر کند». آنگاه می‌افزاید: «دقت کنید تا چه فرمان می‌دهم آن را به کار بندید. در پناه نام خدا حرکت کنید که در صورت شکیبایی پیروزی با شما خواهد بود».<sup>۷</sup>

### ۳- جنگ خندق

به محض این که سپاه قریش از مکه روی به مدینه می‌نهد چند سوار از قبیله خزاعه حرکت کرده چهار روزه خود را به پیامبر می‌رسانند و خبر حرکت سپاه کفار را به وی می‌دهند. پیامبر فرمان بسیج صادر می‌فرماید و به مسلمانان اطلاع می‌دهد که دشمن‌شان چه کرده است. ضمن فرمان کوشش و جهاد با ایشان در چگونگی امر دفاع به مشورت می‌پردازد، و به آنان می‌گوید که اگر شکیبایی ورزند و از خدای روا گیرند پیروز خواهند گشت، و آنان را به فرمان‌برداری از پیامبرش سفارش می‌فرماید. وی که در کار جنگ بسیار با مسلمانان مشورت می‌کند این بار هم به مشورت و تبادل نظر با آنان می‌پردازد و این مسائل را به بحث با آنان می‌گذارد: «آیا از مدینه بیرون رفته در صحرا با آنان مصاف دهیم؟ آیا در مدینه باشیم و تکیه به این کوه (احد) بدهیم؟» نظریات مختلفی اظهار می‌دارند. عده‌ای می‌گویند: «از نقطه پس از بعثت متمرکز می‌شویم تا ثنیه الوداع تا حرف». عده‌ای دیگر می‌گویند: «مدینه را پشت سر خویش قرار می‌دهیم». سلمان فارسی می‌گوید: «ای پیامبر خدا، ما وقتی در کشور ایران بودیم و از حمله سواره نظام دشمن می‌ترسیدیم به دور خویش خندقی حفر می‌کردیم. آیا موافقید که خندق بکنیم؟» (نظر سلمان مورد پسند مسلمانان قرار می‌گیرد. در همین حال به یاد می‌آورند که در آستانه جنگ احد نیز پیامبر از آنان خواست که در شهر بمانند و بیرون نروند. پس

با بیرون رفتن از شهر مخالفت کرده با ماندن و پایداری در مدینه موافقت می‌نماید).<sup>۸</sup>

### ۴- موضع‌گیری نسبت به هم‌دستان ابوسفیان در جنگ خندق (عینة بن حصن و حارث بن عوف)

در این احوال، پیامبر به عینة بن حصن و حارث بن عوف پیغام می‌فرستد که «آیا حاضرید در صورتی که یک سوم محصول خرماي مدینه را به شما بدهم همراه افراد عشیره‌شان برگردید و میان قبایل بیابانگرد تبلیغ کنند که آنها هم دست از جنگ بردارند؟». در جواب پیشنهاد می‌کنند که «آیا حضری نصف محصول خرماي مدینه را بدهی؟». پیامبر حاضر نمی‌شود بیش از یک سوم بپردازد. همان یک سوم را می‌پذیرند و همراه ده نفر از افراد عشیره‌شان می‌آیند. پیامبر هم عده‌ای از یارانش را دعوت کرده است تا حضور داشته باشند. کاغذ و قلم و دوات هم آورده است. عثمان بن عفان را هم گفته است تا برای نوشتن قرارداد مصالحه حاضر باشد. عباد بن بشر هم در حالی که سراپا در زره است در کنار وی ایستاده است. اسید بن حضیر که هیچ اطلاعی از مذاکرات انجام شده ندارد به خدمت پیامبر می‌آید. عینة بن حصن که آمده پاهایش را در حضور پیامبر دراز کرده است. اسید وقتی می‌فهمد قضیه از چه قرار است در حالی که نیزه‌ای در دست دارد به عینة پرخاش می‌کند که «بوزینه زاده! پاهایت را جمع کن، در

۸- همان ماخذ صفحات ۴۳۳ تا ۴۳۵

حضور پیامبر پاهایت را دراز می‌کنی! به خدا اگر رسول خدا حضور نمی‌داشت این نیزه را در زیر شکمت فرو می‌بردم!». بعد، روبه پیامبر گردانده عرض می‌کند: «اگر این، امری است که از آسمان رسیده است انجامش بده. اما اگر چنین نیست بدان که به خدا قسم به آنها چیزی جز شمشیر نمی‌دهیم! کجا اینها چنین امیدی در مورد ما داشته‌اند!» رسول خدا به او جوابی نمی‌دهد و سعد بن معاذ و سعد بن عباده را فرا می‌خواند و در حالی که دست بر شانه آن دو نهاده و از هیأت طرف مذاکره فاصله گرفته است با آنان مشورت می‌کند، و آهسته سخن می‌گوید تا آن هیأت که نشسته‌اند نشنوند. می‌فرماید که می‌خواهد با این عده قرار آشتی بگذارد. می‌گویند: «اگر این، امری است که از آسمان آمده است انجامش بده، و در صورتی که کاری است که حکمی در باره‌اش دریافت نکرده‌ای ولی خودت به انجامش تمایل داری باز هم انجامش بده و ما گوش به فرمان و فرمان‌برداریم. اگر کاری است که باید در باره‌اش اندیشید و نظر داد و تصمیم گرفت نظر ما این است که به آنها چیزی جز لبه تیز شمشیر را ندهیم».<sup>۹</sup> رسول خدا به سعد بن معاذ می‌فرماید: «آب نوشته را پاره کن». سعد، آب دهان بر آن نوشته افکنده آن را پاره می‌کند، و به هیأت می‌گوید: «بین ما و شما شمشیر در کار است!». عیینه در حال برخاستن می‌گوید: «بدانید آنچه که نپذیرفتید برایتان بهتر از آن تدبیری است که اینک اتخاذ کردید. شما تاب ایستادگی در برابر چنین دشمن بزرگی را ندارید».

عبادین بشر به او تندی می‌کند که «عیینه! تو ما را از شمشیر می‌ترسانی! خواهی دید که ما ناله‌مان در خواهد آمد یا شما! خودت می‌دانی که در خشک‌سالی و هنگام تنگ‌دستی تو و قبیله‌ات از گرسنگی پشکل شتر مخلوط با خون را می‌خوردید و وقتی اینجا آمدید جرات باج‌گیری از ما را نداشتید و خرما را می‌خریدید و یا میهمان می‌شدید تا بخورید! آن وقتی که ما معبودی نداشتیم. حالا که خدا ما را به وسیله محمد هدایت و تأیید و تقویت فرموده است آمده‌اید چنین مطالباتی دارید! به خدا سوگند اگر مقام و تصمیم رسول خدا نبود سالم به قبیله‌تان نمی‌رسیدید!». پیامبر با صدای بلند به آنها می‌فرماید: «بروید. بین ما و شما شمشیر در کار است!». عیینه و حارث از آنجا می‌روند.<sup>۱۰</sup>

### نقش روحانیت در شوراها

روحانیون در جامعه اسلامی ایران می‌توانند همچون سایر حرکت‌های سازنده و انقلابی نقش بسیار سازنده و مثبتی در روند رشد یابنده شوراها داشته باشند و پیوند بین مردم و مسئولین را از طریق وجود شوراهای مختلف از سطح ده گرفته تا شورای شهر، شورای استان تقویت نمایند، و رابطه بین مساجد و حسینیه‌ها و مجالس اسلامی را با این شوراها مستحکم نمایند و نسبت به رعایت موازین اسلامی در تصمیم‌گیری‌ها نظارت کنند. البته به عنوان یک عضو بایستی به گونه‌ای عمل کنند که



صورت گرفت نشان می‌دهد که اسلام برخلاف برخی شایعات و اتهامات ناروای مخالفین تا چه حد به آراء و دیدگاه‌های افراد و مجموعه‌ها و به خصوص صاحب نظران برای اتخاذ تصمیم در امور مختلف زندگی فردی و اجتماعی اهمیت قائل می‌شود و برای پرهیز از عوارض سوء تبادل آراء و نظرات، شرایط، محدوده و موارد استفاده از این امر مهم را به خوبی روشن کرده و توضیح داده است و بالاخره وظایف کسانی که به مشورت می‌پردازند و کسانی که به عنوان مشاور انتخاب می‌شوند بیان نموده است تا این اصل مهم اجتماعی به صورتی درست و دقیق مورد توجه قرار گیرد و ضمن بهره‌برداری صحیح از آن راه برای هرگونه سوء تعبیر و یا سوء استفاده از آن بسته شود.

شائبه تحمیل رأی و نظر آنها بر دیگران به وجود نیاید و همان‌طور که شهید بزرگوار آیت‌الله دکتر بهشتی اعلیٰ الله تعالی مقامه الشریف می‌گوید: «یادآوری این نکته لازم است که حضور روحانیون در شوراها هرگز نباید با تحمیل رأی و نظر آنها بر اعضای دیگر شورا همراه گردد. البته نظر آنها در زمینه انطباق تصمیمات شورا با موازین اسلام باید رعایت شود، ولی از جهات دیگر رأی و نظر آنها هم‌ارز رأی و نظر اعضای دیگر شورا است، و خود آنها باید در رعایت این هم‌ارزی کوشا باشند»<sup>۱۱</sup>.

### نتیجه‌گیری

بحثی که در این مقاله درباره شورا و مشاوره

## منابع و مأخذ

- ۱- «قرآن مجید»
- ۲- «نهج الفصاحه»، مترجم و فراهم آورنده: ابوالقاسم پاینده، چاپخانه محمدحسن علمی، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ سیزدهم ۱۳۶۰
- ۳- «ترجمه و شرح نهج البلاغه»، به قلم فیض الاسلام
- ۴- «بحار الانوار»، مجلسی، جلد ۷۵
- ۵- «تفسیر نورالتقلین»، جلد ۱ و ۴
- ۶- «غررالحکم و دررالکلم»، ترجمه محمدعلی انصاری، جلد ۱ و ۲
- ۷- «سخنرانی آیت الله مشکینی در سمینار شوراها، تحت عنوان بررسی نظام شورایی در جمهوری اسلامی ایران»، شهریورماه ۱۳۶۰، معاونت طرح‌ها و بررسی‌های نخست‌وزیری
- ۸- «نظام حکومت در اسلام»، صفحه ۱۰۹ و ۱۱۰
- ۹- «پیامبری و جهاد»، نوشته جلال‌الدین فارسی، ناشر مؤسسه انجام کتاب، چاپ شفق، تهران، ۱۳۶۲
- ۱۰- «مواضع ما»، از انتشارات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، چاپ سوم، آذرماه ۱۳۶۳
- ۱۱- «مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی»، نوشته سیدمهدی حسینی، از انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴
- ۱۲- «شورا در اسلام»، محمدملکی، ناشر نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹
- ۱۳- «حکومت در اسلام»، مقالات سومین کنفرانس اندیشه اسلامی، ناشر سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی، بهمن ماه ۱۳۶۴
- ۱۴- «شورا و مشاوره در اسلام»، نوشته دکتر عبدالله جاسبی، نشر علوم تربیتی، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، سال یازدهم، شماره ۱-۲، ۱۳۶۷، صفحه ۳۱ تا ۵۴